

به بهانه «روز شکر گذاری»!

در مفهوم «شکر»

فردا به مناسبت روز "شکر گذاری" که آن را Thanksgiving می‌نامند، در آمریکا تعطیل سراسری است و خانواده‌ها طبق سنتی قدیمی، به یاد نخستین مهاجرانی که بر این سرزمین پهناور پای نهادند و از رزق پروردگار، از جمله بوقلمون‌های وحشی، بهره‌مند شدند، گرد میز غذا جمع می‌شوند و با دعای شکر گذاری، از بوقلمونی بریان شده به عنوان نمادی از نعمت‌های پروردگار تغذیه می‌کنند. چنین سنتی در فرهنگ مسیحی، شاید بی‌تأثیر از یادگار رزق الهی برای مهاجرین اولیه بنی‌اسرائیل از مصر به صحرای سینا نباشد که به تعبیر قرآن، خداوند آنها را در آن صحرای غیرمسکون، از "مَنْ و سَلْوِي" (ظاهراً نوعی صمغ درختی و پرندای وحشی = نشاسته و پروتئین) روزی داده است (۱).

هرچند نظام سرمایه‌داری از چنین سنتی همچون روزهای قراردادی دیگر مثل: کریستمس، روز مادر، روز پدر، روز اظهاردوستی و محبت (Valentine's Day)، هالووین (Halloween) و غیره بهانه‌ای برای کشاندن مردم به فروشگاه‌ها و خرید هرچه بیشتر کالاهای مصرفی تبدیل کرده و بیشتر خانواده‌های آمریکائی فلسفه معنوی چنین روزی را فراموش کرده‌اند، با این حال هنوز هم شمار زیادی از این ملت این سنت را زنده می‌دارند و دعای سفره را قبل از خوردن غذا می‌خوانند.

سنت‌های هر ملتی عمدتاً در مسیر تاریخ به تدریج رنگ می‌بازند و با فراموشی فلسفه بنیادی آن، شکل و پوسته بی‌محتوایش در خدمت اهدافی دیگر قرار می‌گیرد. سنت‌های نوروزی ما نیز همچون هفت‌سین، چهارشنبه سوری، سیزده به در، حتی اسامی ماه‌های سال که نام‌گذاری هر کدام مبنائی معنوی داشت، چنین سرنوشتی پیدا کرده است.

رسومات مذهبی‌مان هم مثل، سفره انداختن، سمنو پختن، حلوا، شله زرد، آش نذری، شمع نذرکردن و سقاخانه و امثالهم که در دوران قدیم کاربردی به نیت اطعام مساکین و صلح رحم و روشن کردن کوچه‌ها در آغاز شب و تشنه‌ای را سیراب کردن داشت، امروز به تشریفاتی خالی از محتوا و کم بهره تبدیل شده است. بگذریم از اعیاد و سوگواری‌های مذهبی که شکل و شعار و آداب و رسوماتش بر شعور و شناخت و عبرت و آموزش متناسب با نیاز روزگار غلبه یافته است و خلائق خوشحال از آن که خدمتی خدایسند و به خیر خلق می‌کنند، در فضائی شمع بر می‌افروزند که تابش شدید چلچراغ‌هایش در انعکاس آینه کاری‌های تزئینی چشم را می‌آزرد!

مسلمانان اولیه گویا هر هفته یا هر ماه گردهم می‌آمدند تا سوره انعام را، که به اصطلاح ایدئولوژیک‌ترین سوره‌های قرآن است و بیش از همه سوره‌ها مبنائی نظری شرک و توحید را تبیین کرده است، بخوانند و دیدگاه‌های خود را اصلاح نمایند. از آنجائی که تلاوت چنین سوره‌ای طولانی تا دیر وقت به طول می‌انجامید، غذای مختصری هم تدارک می‌دیدند. اما امروز از چنان سنتی فقط سفره‌اش مانده و قرآنتی خشک و خالی بدون توجه به معنا و مقصود آیات، آن هم نه برای بارور کردن باورها، بل برآورده شدن حاجات و جلب منفعتی یا دفع مضرتی و مصیبتی!

شکر گذاری هم در شناخت امروز ما جایگاه و جلوه بهتری ندارد. به یاد می‌آورم تابلوهای "نماز تشکر از خداست" را در بزرگ راه‌های تهران که در مقام جلب جوانان برای نماز، شکر را از مقوله تشکر زبانی، آن هم از خدائی که بی‌نیاز مطلق از مدح و سپاس ماست (۲)، با قیاس به نفس بشری تبلیغ می‌کردند! البته احساس شکر و سپاس قلبی داشتن و به زبان آوردن آن نیکوست (۳)، اما تا به عمل نیاید نتیجه مطلوب نمی‌دهد، در معارف قرآنی آمده است که خداوند به خاندان داود فرمان داد "عمل شاکرانه" کنند که بندگان شاکر اندک‌اند:

سبا ۱۳ - ... اَعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۚ وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ

اصطلاح "صدهزار بار شکرخدا" در زبان مردم به سادگی جریان دارد و می‌توان صفرهای بیشتری هم تا بی‌نهایت مقابل آن نهاد تا ثواب تصویری اش افزون گردد!! اما به طور جدی این سؤال مطرح است که شکر عملی چگونه است و چرا، در حالی که برخی مقامات آموزش و پرورش بخشنامه و کارت ختم صلوات برای مدارس راهنمایی و دبیرستان‌ها صادر و برای تعداد صلوات‌هایی که محصلین می‌فرستند جایزه تعیین می‌کنند (۴)؟! و برخی کانال‌های مذهبی تلویزیونی خارج کشور هر روز آمار زیارت‌نامه‌هایی را که بینندگان از دور خوانده و گزارش کرده‌اند اعلام می‌کنند، شاکران اندک‌اند؟!

چرا کسانی که به توصیه و تشویق حاشیه نویس‌های کتاب مفاتیح الجنان، دعاهائی را می‌خوانند که ادعا شده ثوابش از سالها نماز و روزه و حج و جهاد بالاتر است!! بندگان شاکر شمرده نشده‌اند (۵)؟

کجای مسئله اشکال دارد که هیچکدام این کارها شکر شمرده نشده است؟

شاکر بودن یا نبودن وصف انحصاری انسان‌ها نیست، خدا هم به تعبیر قرآن "شاکر" و "شکور" است!! و این از نام‌های نیکوی اوست: والله شکورحلیم، ان ربنا لغفورشکور، فان الله شاکرعلیم... (۶).

شاکر بودن خدا چگونه تحقق می‌یابد که بندگان نیز باید چنان کنند؟ ... برحسب آنچه اهل لغت در اصل و معنای ریشه‌ای این واژه گفته و در کتاب‌های لغت آورده‌اند (۷)، نوعی فزاینده‌گی و افزایش، رشد و شکوفائی، خیر و برکت در مفهوم شکر وجود دارد. مثل حافظه و مغز انسان که هرچه بیشتر از این موهبت و منبع لایزال کار بکشیم و شکرش را به جا آوریم، فعال‌تر می‌شود. یا عضلات که با ورزش و کاریری بیشتر نیرومندتر می‌شوند. گفته می‌شود مصرف هر چیزی آن را کم می‌کند، اما مصرف درست نعمت آن را افزون می‌سازد! (۸).

در مثنوی مولوی در بیان جوشش درونی انسان که تمثیلی است از شکرورزی آمده است:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا
بجوشد آبت از بالا و پست

از آنجائی که ممکن است کسانی کلمه شکر را واژه‌ای دینی و تنها در ارتباط با پروردگار تصور کنند، لازم است معنای آن را در زبان عربی و کتاب‌های لغت بررسی کنیم. فرهنگ لغات عربی تعریف‌های زیر را ارائه داده‌اند:

"پر شیر شدن پستان چارپا، باریدن ابر از آسمان، پرشدن چشم از اشک، روئیدن پاچوش درخت، وزش تندباد، دویدن با تمام توان، سخاوتمند شدن بخیل، فربه شدن صورت و ..."

خدا را از آن جهت شاکر و شکور (مبالغه شکر) می‌نامند که عمل اندک بندگان را با پاداشی بسیار جزا می‌دهد (۹). شاکر بودن انسان نیز بر همین منوال، بارورکردن نهال "نعمت"‌های خدا با شناخت نعمت بخش، به زبان آوردن آن و استفاده بهینه‌اش در بهره‌مند ساختن بندگان دیگر است.

واژه متضاد شکر، "کفر" است. معنای کفر نادیده گرفتن، پوشاندن و ضایع کردن نعمت و امکانات است. شب را کافر می‌گویند که با پرده تاریکش جهان را می‌پوشاند، زارع را کافر می‌گویند که تخم را در خاک می‌پوشاند و ابر را از آن جهت که خورشید را پنهان می‌کند. کفر در دین نیز نادیده گرفتن و به حساب نیاوردن و انکار خورشید جهان هستی است.

از آنجائی که مفهوم شکر، بهره‌برداری بهینه از امکانات موجود و استفاده درست از آن در راهی است که به مدد عقل و خرد خداداد یا وحی و الهام الهی قابل تشخیص خواهد بود، به تعبیر قرآن، همه کارهای مثبتی که انسان می‌تواند در مدت حیات خود انجام دهد، در قالب واژه "شکر" می‌گنجد! و این واژه جامع‌ترین کلمه‌ای است که همه تلاش‌های مفید و مؤثر انسان را شامل می‌شود (۱۰).

این حکمت را از زبان امام علی بیشتر مردم شنیده‌اند که: مردمانی خدا را از ترس می‌پرستند، این عبادت بردگان است، عده‌ای به تمع می‌پرستند، این عبادت بازرگانان است و عده‌ای نیز "شاکرانه" او را عبادت می‌کنند، این پرستش آزادگان است (حکمت ۲۳۷ نهج البلاغه).

اوج شکر گذاری انسان زمانی است که به اوج آگاهی‌ها خود در سن چهل سالگی که نمادی از رشد و کمال است رسیده باشد. این دعائی است که توصیه شده مؤمنین همواره آن را از خداوند بخواهند:

احقاف ۱۵- ... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي ۖ إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

خدا انسان را از نطفه پیچیده و شگفت‌آوری با استعداد حیرت‌آور آفریده و برای به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه او، به ابزار سه گانه شناخت (چشم و گوش و دل) مجهز کرده و به چالش با ابتلائات زندگی افکنده است. نه رها و سرگردان، که هدایتش نیز نموده است. از دو حال خارج نیست؛ یا از این امکانات برای رشد و کمال خود حداکثر بهره‌برداری را به سوی مقصود خواهد کرد (معنای شکر) و یا مقصود و مقصد را فراموش و انکار کرده، امکانات را در مسیر هوی و هوس‌های خود ضایع و تباه خواهد کرد (معنای کفر). متن فوق ترجمه ضمنی آیات ابتدای سوره انسان به شرح ذیل است:

انسان آیات ۱ تا ۳- هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا ۖ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۖ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

خانه ابدیت نیز چیزی جز محصول شکر انسان در زندگی دنیائی، به بارنشستن درخت عمل و به نتیجه رسیدن سعی و تلاش عمر گذشته نیست، به تعبیر قرآن خداوند خطاب به بهشتیان می‌گوید "این جزای شماست، سعی خودتان است که مشکور شده و به بارنشسته است":

انسان ۲۲- إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا

اسراء ۱۹- وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

اشکال دیگر زبانی تلقی کردن شکر، فردی شمردن آن است. از آنجائی که از دوران کودکی در خانه و مدرسه همواره شکر زبانی و فردی را تشویق و توصیه کرده‌اند، اصلاً درک و تصویری از شکر عملی و اجتماعی نداریم، در حالی که ناسپاسی نعمت‌ها و امکانات یک جامعه و تباه ساختن آن، به مراتب خسران آورتر از ناسپاسی‌های فردی است و عوارض گسترده‌تری دارد.

قرآن از حاکمان بی‌لیاقتی یاد می‌کند که ثروت‌های ملی قومی را به باد دادند و با سیاست‌های نابخردانه خود و تباه کردن نعمت‌های خداداد، ملت خود را به نابودی کشاندند:

ابراهیم ۲۸- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

نمونه دیگرش قوم "سبأ" می‌باشد که سوره مستقلی در قرآن به همین نام در وصف ناشکری و کفران نعمت آن قوم آمده است. سرزمینی که فراوانی همه جانبه نعمت‌ها، آبادانی و آراستگی شهرها و سایه لطف خداوند بخشنده بر آن تداوم داشت، با سوء استفاده از امکانات و مصرف آن در غیر مسیر شایسته، به پراکندگی و پریشانی گرفتار آمدند و از چنان شکوه و تمدنی جز یاد و خاطره‌ای تلخ باقی نماند. (۱۱)

اجباری هم نیست که حتماً برای شناخت نتایج سوء استفاده از ثروت‌های ملی سراغ تاریخ گذشته و متون مذهبی برویم، کافی است نگاهی به کشورهای دیگر در همین سه چهار دهه اخیر بکنیم و سیاست‌گذاری‌های آن را برای رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... بررسی کنیم. ژاپن را بنگریم که بدون نفت و گاز و سایر ثروت‌های طبیعی به کجا رسیده و مالزی را که درست ۳۰ سال قبل مردمانش در مزارع کشاورزی با درآمد سرانه سالانه‌ای کمتر از صد دلار در سال زندگی می‌کردند و امروز در سایه سیاست‌های خردمندانه مهاتیر محمد و همت و هنر ملت، تبدیل به یکی از چند قدرت بزرگ صنعتی، علمی و فرهنگی آسیا شده است.

کشورهای دارای منابع نفت یا گاز در خاورمیانه نیز سیاست و سرنوشتی یکسان نداشته‌اند، از این نعمت‌های خداداد، یا نعماتی دیگر، کشورهایی مانند: دوبی، قطر، بحرین و... با بهره‌برداری درست از امکانات (شکر نعمت) ظرف این مدت به کجا رسیده‌اند و ایران و عراق و امثالهم با بی‌کفایتی و استبداد و سلب امنیت و آزادی و حاکمیت ملت به کجا؟! روزگاری است که خوشبختانه آمار در همه زمینه‌ها خط بطلان بر ادعاها می‌کشد و حقیقت را آشکار می‌سازد.

به تعبیر سعدی

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

درست است که در کشورهای غربی دنیاپرستی و فساد قدرت و ثروت در جلوه‌های متعدد آن بسی آشکار و عریان است و این سؤال همواره برای بسیاری از دینداران مطرح می‌شود که چرا آنها همچنان پابرجا و مسلط و مقتدر هستند و ما عقب افتاده و ضعیف؟ اما غافلیم از

این که بهره برداری از ابزار سه گانه چشم و گوش و عقل و استفاده‌شان از علم و دانش (که همان شکر است) به مراتب بیش از ماست، شکر محیط زیست و طبیعت را به جا می‌آورند و با آباد کردن و استفاده و لذت از آن، همچون ما آن را آلوده و ضایع نمی‌سازند. آن مقداری که برای دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی، دینی و تحقیقاتی و... وقف می‌کنند، حتی به طور نسبی به مراتب بیش از نسبتی است که ما می‌کنیم. سازمان‌هایی که برای حمایت از محرومان در اشکال مختلف تأسیس کرده‌اند به مراتب گسترده‌تر از مشابهش میان بسیاری از مدعیان دین و ایمان است و با همه مفاسد و مظالم موجود، کفه اعمال مثبت و معدل متوسط خدمات ملت بر کفه منفی آن می‌چربد. و بر همین اساس است که قرآن تأکید کرده است:

چنین است که خداوند نعمتی را که به مردمی داده هرگز تغییر نمی‌دهد مگر خودشان تغییر کنند (موجبات سلب آن را فراهم آورند).

انفال ۵۳- ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

انواع شکرهای عملی

- شکر ابزار شناخت (کاربرد بهینه چشم و گوش و دل).

نحل ۷۸- وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

سجده ۹- ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

- شکر حکمت و دانائی

لقمان ۱۲- وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ ۚ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

- شکر قدرت و امکانات حکومتی

نمل ۱۹- قَتَبَسَمَّ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

وَأُدْخِلَنِي فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

احقاف ۱۵- ... حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيَّتِي ۚ إِنَّي نَبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

نمل ۴۰- ... فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ

رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

- شکر نیروهای دفاعی

انبیاء ۸۰- وَعَلَّمَاهُ صِنْعَةَ لُبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ ۚ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

- شکرماه رمضان و کتاب نازل شده در آن

بقره ۱۸۵- شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ... وَلِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ

- شکر روز (زندگی در پرتو نور)

فرقان ۶۲- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ سُكُورًا

- شکر دریا، کشتی و باد موافق

نحل ۱۴- وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً حَلِيبَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلِيَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

لَقَمَان ۳۱- أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
 فاطر ۱۲- ... وَتَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لِيُنَبِّئُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
 جاثیه ۱۲- اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِنَجْرِي الْفَلَكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيُنَبِّئُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

پیامبران شاکرترین مردمان

از آنجائی که بندگان برگزیده خدا بیش از بقیه آگاهی و شناخت داشتند، شکرشان نیز بیش از بقیه بوده است. نگاه کنید به مصادیق زیر:

• حضرت ابراهیم

نحل ۱۲۱- شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ ۚ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

• سلیمان

نمل ۱۹- ... وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

نمل ۴۰- ... قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

• نوح

اسراء ۳- ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

محال بودن شکر خدا

به دلیل بی‌کران بودن نعمات خدا و همیشگی بودن آن، شکرش غیر ممکن است. این حقیقت را شاعر شیرین سخن سعدی به زیبایی بیان کرده است:

هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکر واجب

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید.

۱- قرآن سوره‌های: بقره ۵۷، اعراف ۱۶۰، طه ۸۰.

۲- نگاه کنید به نمل ۴۰- ... أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (هرکس شکر کند برای خودش کرده و هرکس کفر بورزد به ضرر خودش کرده).

۳- به تعبیر امام علی: "هرچه بیشتر بر موهبت‌هایی که داری و دیگران از آن محروم‌اند بنگر، که این از (انواع یا) دروازه‌های شکر است (اکثر ان تنظر الی ما فضلت علیه فان ذلك من ابواب الشکر). پس اگر کسانی که مشکلات و محرومیت‌هایی دارند به امکانات موجود خود نظر کنند که بسیاری از مردم از آن هم محرومند، نعمت و نشاطشان افزوده می‌گردد. در مورد شکر زبانی نیز در قرآن آمده است: فاما بنعمه ربك فحدث. نعمت پروردگارت را بازگو کن

۴- اشاره به بخشنامه مدیریت منطقه ۱۹ سازمان آموزش و پرورش به کلیه مدارس منطقه در تاریخ ۸۷/۸/۲ طی نامه شماره ۱۹/۷۴۰۲۲/۳۸۰

۵- امام علی(ع) در نامه ۵۱ نهج البلاغه تأکید کرده‌اند که خداوند از ما خواسته با جهد و تلاش خود او را شکر کنیم (فان الله قد اصطنع عندنا و عندکم ان تشکره بجهدنا) نه با ورد زبانی!!

۶- بقره ۱۵۸، نساء ۱۴۷، فاطر ۳۰ و ۳۴، شوری ۲۳، تغابن ۱۷

۷- از جمله فرهنگ نامه "المنجد" (عربی به فارسی)

۸- نگاه کنید به: ابراهیم ۷- وَإِذْ تَأْتِنُ رَبُّكُمْ لِنِ شُكْرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلِنِ كُفْرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

شورا ۲۳ - ... وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

و حکمت‌های زیر در نهج البلاغه:

ح ۴۳۵- من اعطى الشکر لم یحرم الزیاده

ماکان الله لیفتح علی عبد باب الشکر و یغلق باب الزیاده

ح ۱۰۵ و ۲۰۴- لاتکن ممن... یعجز عن شکر ما اوتی و یتغی الزیاده فیما بقی

ح ۱۳- اذا وصلت علیکم اطراف النعم فلا تنفروا اقصاها بقله الشکر

۹- به تعبیری که در خطبه ۲۴۱ نهج البلاغه آمده است، خداوند ادای شکرش را از شما طلب می‌کند. امرش (اختیار) را به شما میراث داده و در میدان مسابقه‌ای با مدت زیاد (طول عمر) به شما مهلت بخشیده تا نفیس‌ترین جوایزش را تصاحب کنید. پس کمر بندهای خود را محکم ببندید و زیاده‌های دامن خود را جمع کنید که امور نیازمند عزم و اراده با سورچرانی جمع نمی‌شود! چه بسیار تصمیمات روز را خواب شب از خاطر می‌برد و تاریکی‌ها تذکرات همت برانگیز را محو می‌کند: والله مستادیکم شکره و مورثکم امره و مملکم فی مضمار ممدود لتنازعوا سبقه فشدوا عقد المازرو اطوا فضول الخواصر و لاتجتمع عزیمه و ولیمه ما انقض النوم لعزائم الیوم و امحی الظلم لتذاکیر الهمم.

۱۰- نگاه کنید به فاطر ۳۰- لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

شوری ۲۳- ... وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

۱۱- نگاه کنید به آیات ۱۵ تا ۲۱ سوره سبأ.